

مالیاتی برای اقتصاد بحران زده



نظام مالیاتی، ستون فقرات تأمین مالی دولت‌ها به شمار می‌رود و میزان کارآمدی آن، تأثیر مستقیمی بر توان دولت در ارائه خدمات عمومی، حفظ ثبات اقتصادی و مدیریت بحران‌ها دارد. با این حال، تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که ساختارهای مالیاتی سنتی، به‌ویژه آن دسته که بر درآمد، سود بنگاه‌ها و گردش رسمی فعالیت‌های اقتصادی استوار هستند، در شرایط بحران‌های جدی مواجه می‌شوند. رکود اقتصادی، کاهش تولید، افت سرمایه‌گذاری، کاهش اشتغال و کوچک شدن بازارها، نخستین پیامدهایی هستند که درآمدهای مالیاتی دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

این مسئله در شرایط جنگ، تحریم یا بحران‌های گسترده اقتصادی، ابعاد پیچیده‌تری پیدا می‌کند. زمانی که بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی متوقف یا محدود می‌شود، درآمد شرکت‌ها کاهش می‌یابد، حجم معاملات افت می‌کند و بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی با زیان یا تعطیلی روبرو می‌شوند. در چنین فضایی، دولت نیز با کاهش منابع مالی مواجه خواهد شد؛ در حالی که هم‌زمان هزینه‌های عمومی، هزینه‌های امنیتی، حمایت از تولید و تأمین معیشت مردم افزایش پیدا می‌کند.

از همین رو، طی سال‌های اخیر، موضوع اصلاح ساختار نظام مالیاتی بیش از گذشته مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. بسیاری از کارشناسان معتقدند که نظام مالیاتی آینده باید ساده‌تر، شفاف‌تر، کم‌هزینه‌تر و در عین حال پایدارتر از ساختارهای فعلی باشد؛ نظامی که وابستگی آن به سود بنگاه‌ها یا درآمد اشخاص کاهش یابد و بتواند حتی در بحران‌های رکود یا بحران نیز درآمدهای دولت را حفظ کند.

در همین چارچوب، یکی از ایده‌هایی که در سال‌های اخیر بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته، مالیات بر تراکنش‌های بانکی است؛ مدلی که تلاش می‌کند به جای تعدد پایه‌های مالیاتی، با اتکا به جریان گردش پول در اقتصاد، ساختاری ساده، شفاف و فراگیر برای اخذ مالیات ایجاد کند.

نظام مالیاتی سنتی؛ ساختاری پیچیده با هزینه‌های فراوان

به بیان دیگر، تقریباً تمامی پایه‌های مالیاتی موجود به یک متغیر مشترک وابسته هستند؛ رونق اقتصادی. این وابستگی باعث می‌شود درست در زمانی که دولت بیش از هر زمان دیگری به منابع مالی نیاز دارد، درآمدهای مالیاتی نیز کاهش پیدا کنند. در بحران‌هایی نظیر جنگ، این مسئله شدت بیشتری پیدا می‌کند. آسیب به زیرساخت‌های تولید، اختلال در زنجیره تأمین، کاهش سرمایه‌گذاری، محدود شدن تجارت و افت تولید داخلی، همگی موجب می‌شوند پایه‌های سنتی مالیاتی کارایی خود را تا حد زیادی از دست بدهند.

یکی از مهم‌ترین ضعف‌های نظام‌های مالیاتی مبتنی بر درآمد و سود، وابستگی شدید آنها به رونق اقتصادی است. در دوران رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی نیز افزایش پیدا می‌کند، اما با آغاز رکود، تقریباً تمامی پایه‌های مالیاتی به طور هم‌زمان دچار افت می‌شوند. کاهش تولید به معنای کاهش سود شرکت‌هاست. کاهش سود، مالیات عملکرد را کاهش می‌دهد. افت قدرت خرید مردم موجب کاهش مصرف و در نتیجه کاهش درآمدهای مالیات بر ارزش افزوده می‌شود. کاهش اشتغال نیز مالیات بر حقوق را تحت تأثیر قرار می‌دهد و رکود بازار دارایی‌ها، درآمد حاصل از مالیات نقل و انتقال و ارث را کاهش می‌دهد.

نظارتی، فرآیندهای حساسرسی و سازوکارهای مختلف رسیدگی را برای وصول مالیات به کار گیرد و از سوی دیگر، فعالان اقتصادی نیز بخش قابل توجهی از زمان و منابع خود را صرف تهیه اسناد، تنظیم اظهارنامه‌ها، پاسخگویی به ممیزان مالیاتی و طی کردن فرآیندهای اداری می‌کنند. در چنین شرایطی، فرار مالیاتی نیز به یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام مالیاتی تبدیل می‌شود. هر اندازه قوانین پیچیده‌تر باشند، امکان سوءاستفاده از خلأهای قانونی، حساب‌سازی، مخفی کردن درآمدها و استفاده از روش‌های مختلف برای کاهش مالیات نیز افزایش پیدا می‌کند. بحران‌ها، نخستین ضربه را به درآمدهای مالیاتی وارد می‌کنند

ساختار فعلی نظام مالیاتی در بسیاری از کشورها به مجموعه‌ای از پایه‌های مختلف مالیاتی استوار است. مالیات بر درآمد، مالیات بر عملکرد شرکت‌ها، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر حقوق و دستمزد، مالیات بر ارث، مالیات نقل و انتقال املاک و ده‌ها عنوان دیگر، هر کدام قوانین، معافیت‌ها، اظهارنامه‌ها، فرآیندهای رسیدگی و سازوکار اجرایی خاص خود را دارند. این تنوع اگرچه با هدف افزایش عدالت مالیاتی طراحی شده است، اما در عمل باعث شکل‌گیری ساختاری پیچیده و پرهزینه شده که هم برای دولت و هم برای فعالان اقتصادی هزینه‌های قابل توجهی ایجاد می‌کند. از یک سو دولت ناچار است هزاران نیروی انسانی، سامانه‌های

آیا می‌توان ساختار مالیاتی را ساده‌تر کرد؟

و هم‌زمان با انجام تراکنش مالی دریافت می‌شود. در چنین ساختاری، نیاز به بخش قابل توجهی از فرآیندهای سنتی مانند رسیدگی‌های طولانی، ممیزی‌های گسترده، اختلافات مالیاتی و پرونده‌های متعدد کاهش پیدا می‌کند. همچنین، شفافیت اقتصادی نیز افزایش خواهد یافت؛ زیرا تمامی تراکنش‌های رسمی در بستر شبکه بانکی ثبت می‌شوند و امکان رصد جریان پول بسیار آسان‌تر خواهد بود.

شفافیت، فرآیند وصول مالیات را نیز ساده‌تر می‌کند. **مالیات بر تراکنش؛ ایده‌ای برای کاهش بروکراسی و افزایش شفافیت**

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های مالیات بر تراکنش‌های بانکی، کاهش چشمگیر بروکراسی مالیاتی است. در این الگو، به جای آنکه مؤدیان هر سال انواع اظهارنامه‌های مختلف را تکمیل کنند، مالیات به صورت خودکار

بانکداری دیجیتال، امکان طراحی شیوه‌های جدید اخذ مالیات را فراهم کرده است. امروز تقریباً بخش عمده‌ای از مبادلات اقتصادی از طریق شبکه بانکی انجام می‌شود و همین موضوع، ظرفیت تازه‌ای برای طراحی پایه‌های نوین مالیاتی ایجاد کرده است. برخی کارشناسان بر این باورند که به جای تمرکز بر درآمد یا سود اشخاص، می‌توان گردش مالی را به عنوان مبنای اخذ مالیات در نظر گرفت؛ رویکردی که ضمن افزایش

در سال‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در اقتصاد عمومی، حرکت به سمت ساده‌سازی نظام مالیاتی بوده است. مشارکت داشته باشد. با این حال، بسیاری از اقتصاددانان معتقدند نظام مالیاتی سنتی همواره با چالش‌هایی مانند فرار مالیاتی، معافیت‌های گسترده، نبود شفافیت و دشواری شناسایی درآمدهای واقعی مواجه بوده‌اند.

عدالت مالیاتی؛ حلقه مفقوده نظام فعلی

تأثیر بر تولید و فضای کسب و کار

یکی از دغدغه‌های همیشگی فعالان اقتصادی، تأثیر مالیات بر هزینه تولید است. هر اندازه نظام مالیاتی پیچیده‌تر باشد، هزینه‌های اداری و مالی بنگاه‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. علاوه بر مالیات، هزینه تهیه اسناد، حسابداری، مشاوره‌های مالیاتی، رسیدگی به پرونده‌ها و اختلافات اداری نیز به هزینه نهایی تولید اضافه می‌شود. در مقابل، نظام‌های مالیاتی ساده‌تر می‌توانند بخشی از این هزینه‌ها را حذف کنند. کاهش بروکراسی، کوتاه شدن فرآیندهای اداری و پیش‌بینی‌پذیر شدن قوانین مالیاتی، از عواملی هستند که می‌توانند فضای کسب و کار را بهبود بخشند و امنیت بیشتری برای سرمایه‌گذاری ایجاد کنند.

برای وصول هر پایه مالیاتی نیازمند سامانه‌های جداگانه، نیروهای متخصص، فرآیندهای حساسرسی، هیات‌های حل اختلاف، رسیدگی‌های قضایی و سازوکارهای نظارتی متعدد است. این مجموعه، هزینه‌های اجرایی قابل توجهی را به دولت تحمیل می‌کند. از سوی دیگر، فعالان اقتصادی نیز ناچارند برای هر نوع مالیات، اسناد و مدارک جداگانه تهیه کنند، اظهارنامه‌های مختلف ارائه دهند و در بسیاری از موارد، زمان زیادی را صرف پیگیری پرونده‌های مالیاتی کنند. کاهش این فرآیندها می‌تواند علاوه بر کاهش هزینه‌های دولت، محیط کسب و کار را نیز تسهیل کند و بخشی از انرژی بنگاه‌ها را به جای امور اداری، به سمت تولید و سرمایه‌گذاری هدایت کند.

بنگاه اقتصادی متناسب با میزان فعالیت اقتصادی خود در تأمین هزینه‌های عمومی کشور شرکت داشته باشد. با این حال، بسیاری از اقتصاددانان معتقدند نظام مالیاتی سنتی همواره با چالش‌هایی مانند فرار مالیاتی، معافیت‌های گسترده، نبود شفافیت و دشواری شناسایی درآمدهای واقعی مواجه بوده‌اند.

در بسیاری از موارد، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی به دلیل استفاده از حساب‌های واسطه، معاملات غیررسمی یا ضعف نظام اطلاعاتی، از دید نظام مالیاتی پنهان می‌ماند. در مقابل، فعالان اقتصادی شناسنامه‌دار و بنگاه‌هایی که فعالیت آنها کاملاً رسمی است، بیشترین بار مالیاتی را متحمل می‌شوند. این مسئله نه تنها احساس بی‌عدالتی را در میان مؤدیان افزایش می‌دهد، بلکه انگیزه فعالیت در اقتصاد رسمی را نیز کاهش می‌دهد.

سرمایه‌گذاران معمولاً کشورهایی را برای فعالیت انتخاب می‌کنند که قوانین مالیاتی آنها روشن، شفاف و قابل پیش‌بینی باشد. هرچه پیچیدگی مقررات کمتر باشد، ریسک سرمایه‌گذاری نیز کاهش پیدا می‌کند و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای بنگاه‌ها افزایش می‌یابد. **اجرای هر اصلاحی نیازمند زیرساخت‌های دقیق است**

در چنین شرایطی، برخی اقتصاددانان معتقدند نظام مالیاتی نیز باید متناسب با تحولات فناوری تغییر کند و از ظرفیت‌های ایجاد شده در نظام بانکی و پرداخت الکترونیک برای طراحی پایه‌های جدید مالیاتی بهره‌برد. این رویکرد علاوه بر کاهش فرار مالیاتی، امکان برنامه‌ریزی دقیق‌تر اقتصادی را نیز برای سیاست‌گذاران فراهم می‌کند.

آسیب‌پذیری پایه‌های مالیاتی در شرایط جنگ



مستقلی وجود نخواهد داشت و سایر پایه‌های مالیاتی صرفاً به‌عنوان مالیات‌های تنظیمی حفظ می‌شوند. **سازوکار اجرای مالیات بر تراکنش**

تعداد حقوق‌بگیران رسمی را کاهش می‌دهد و هم درآمد مشمول مالیات هر فرد را کمتر می‌کند. در نهایت، مالیات بر ارث و نقل و انتقال اموال نیز به دلیل رکود بازار مسکن و کاهش حجم معاملات، عملاً به سمت صفر میل می‌کند. **ناکارآمدی راهکارهای سنتی در دوران بحران**

امیرحسین آقابالی، کارشناس اقتصاد، در گفت‌وگو با سمت درباره مشکلات نظام مالیاتی مبتنی بر سود و درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی، به‌ویژه در شرایط جنگ و ضرورت اصلاح این نظام، اظهار کرد: هر یک از پایه‌های مالیاتی کشور که مبتنی بر مالیات بر سود و درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی هستند، در شرایط عادی سهم قابل توجهی از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهند، اما در دوران جنگ همگی با بی‌ثباتی شدید و خطر سقوط درآمدها به سمت صفر مواجه می‌شوند.

وی گفت: مالیات بر عملکرد شرکت‌ها یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت است، اما در شرایط جنگی بسیاری از مجتمع‌های صنعتی کشور هدف حملات مستقیم دشمن قرار می‌گیرند. صنایع فولاد، پتروشیمی، پالایشگاه‌ها و کارخانجات تولیدی همگی در معرض تخریب قرار دارند و توقف تولید در این واحدها به معنای کاهش یا حذف کامل درآمد مالیاتی حاصل از عملکرد آنها خواهد بود. حمله به زیرساخت‌های صنعتی نه تنها تولید را مختل می‌کند، بلکه زنجیره تأمین کشور را نیز با آسیب‌های گسترده مواجه می‌سازد و آثار این اختلال بر کل اقتصاد و نظام مالیاتی بسیار عمیق و فراگیر خواهد بود.

وی افزود: در چنین شرایطی، مالیات بر تراکنش‌های بانکی به عنوان یک جایگزین هوشمندانه، عدالت‌محور و شفافیت‌افزا برای نظام مالیاتی فعلی مطرح می‌شود. ایده اصلی این نظام، ساده‌سازی چندجانبه ساختار مالیاتی کشور، حذف پایه‌های متعدد مالیات بر درآمد و جایگزینی آنها با یک مالیات واحد، شفاف و فراگیر است.

سخن پایانی

است که در هر برنامه اصلاحی باید مورد توجه قرار گیرد. در همین چارچوب، ایده مالیات بر تراکنش‌های بانکی به عنوان یکی از پیشنهادها مطرح در حوزه اصلاح نظام مالیاتی، موافقان و مخالفان خود را دارد و بر بررسی ابعاد مختلف آن می‌تواند به غنای بحث‌های کارشناسی درباره آینده نظام مالیاتی کشور کمک کند. آنچه مسلم است، اقتصاد ایران برای پاسخگویی به نیازهای امروز و فردای خود، بیش از هر زمان دیگری به گفت‌وگوهای تخصصی، تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر داده و اصلاحات ساختاری نیاز دارد؛ اصلاحاتی که بتواند هم منافع دولت را تأمین کند و هم زمینه رشد تولید، سرمایه‌گذاری و افزایش اعتماد فعالان اقتصادی را فراهم آورد.

وی گفت: در این مدل، مالیات بر تراکنش‌های بانکی جایگزین تمامی مالیات‌های درآمدی از جمله مالیات بر عملکرد، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر حقوق و دستمزد و همچنین مالیات بر ارث یا نقل و انتقال اموال منقول و غیرمنقول خواهد شد. به این ترتیب، دیگر پایه مالیاتی درآمدی

کاهش هزینه‌های دولت و فعالان اقتصادی

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های مدل‌های نوین مالیاتی، کاهش تعداد پایه‌های مالیاتی و حرکت به سمت یک ساختار ساده‌تر است. هر چه تعداد قوانین، بخشنامه‌ها و فرآیندهای مالیاتی کمتر باشد، هزینه وصول مالیات نیز کاهش پیدا می‌کند. در ساختار فعلی، دولت

وی افزود: مالیات بر ارزش افزوده نیز در شرایط جنگی با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. کاهش قدرت خرید مردم، محدود شدن واردات و اختلال در تولید داخلی، همگی موجب کاهش حجم معاملات و در نتیجه افت درآمدهای حاصل از مالیات بر ارزش افزوده می‌شوند. علاوه بر این، بسیاری از کسب و کارها در نتیجه رکود اقتصادی ناشی از جنگ، تعطیل یا کوچک‌تر می‌شوند و دیگر حجم مبادلاتی نخواهند داشت که مشمول مالیات بر ارزش افزوده قابل توجهی باشد.

وی ادامه داد: مالیات بر حقوق و دستمزد نیز از این قاعده مستثنا نیست. در دوران جنگ، بسیاری از مشاغل از بین می‌روند، تعدیل نیرو رخ می‌دهد و سطح درآمد مردم کاهش پیدا می‌کند. این موضوع هم